

محکم و متشابه

محکم در لغت یعنی استوار شده و در اصطلاح علمای قرآن لفظی است که ظاهر آن بدون آن که چیزی به آن ضمیمه کنند از معنی آن خبر دهد.

علم محکم و متشابه علمی است که تفریق میان محکم و متشابه و مباحث دیگر مربوط به این بحث را بر عهده دارد.

ناسخ و منسوخ

نسخ در اصطلاح اصول فقه عبارت است از رفع حکمی شرعی بوسیله یک دلیل شرعی دیگر که پس از آن حکم وارد شده است.

حکم اول را منسوخ و حکم دوم را که به جای حکم اول تشریع شده است، ناسخ گویند. در علم تفسیر آیه‌ای را که مدلول آن به وسیله آیه دیگری که پس از آن آمده نسخ شود منسوخ گویند و آیه‌ای که مدلول آن مدلول آیه اول را نسخ کرده، ناسخ خوانند.

نسخ در حدیث هم جاری است و شناخت ناسخ و منسوخ از مهمترین و دشوارترین علوم حدیث است.

دخول نسخ در قرآن بر سه وجه است:

اول: حکم آن منسوخ شود و تلاوت بر جای ماند. مانند؛ آیه عده یک سال!

دوم: چنان است که تلاوت منسوخ ولی حکم برجای باشد (برعکس قسم اول).

سوم: هم لفظ و هم حکم آیه هر دو منسوخ باشد.

هدف از نسخ وقوع لطف از سوی خدا در حق بندگان و در نظر داشتن مصالح عبادی و دنیوی آنها است.

۱. برخی گفته‌اند: آیه عده وفات، آیه ۲۴۰ سوره بقره.... را نسخ کرده که در آن فرموده است: زن شوهر مرده باید یک سال در خانه همسرش نگهداری شود.

نسخ کتاب (قرآن) به سنت یعنی قول، فعل و تقریر رسول اکرم و (معصومین به قول شیعه) جایز است به شرط آن که سنت مقطوع علیها باشد.

عام و خاص

عام: عبارت از مفهومی است که آنچه را این مفهوم بر آن انطباق می‌یابد، فراگیرد.

خاص: آن است که برخی از آنچه را که مفهوم فراگیرد، شامل گردد.

علمای اصول تقسیماتی برای عام و خاص قائل شده‌اند:

اقسام عام: عام افرادی، عام مجموعی و عام بدلی

اقسام خاص: متصل و منفصل

مجمل و مفصل

مجمل: لفظی است که بر حسب فهم عرف معنی آن به خودی خود آشکار نباشد. بهترین راه برای فهم

مجمل‌های قرآن توسل به سنت است.

مفصل: یا مبین لفظی است که معنی آن از نظر عرف آشکار و هویدا باشد.

فصل ششم: اعجاز قرآن

اعجاز در لغت به معنی ناتوان و عاجز کردن کسی است و در اصطلاح، خارق عادی است که از پیامبر ظاهر می‌شود و همراه با تحدی و نبودن معارضه است.

وجوه مختلف اعجاز قرآن عبارتند از: بلاغت و فصاحت، اشتغال بر معارف اعتقادی، اخبار از غیب و احتمال صرف هم و اذهان.

دلایل عدم توانایی مردم در معارضه با قرآن:

۱. سبک بیان و اسلوب خاص آن.
۲. فصاحت و بلاغت قرآن و استقامت شیوه بیان آن.
۳. صرفه. (عاجز کردن مخالفان از آوردن مثل قرآن به قدرت الهی)
۴. اشتغال برخی آیات بر اخبار از غیب.
۵. اشتغال آن بر معارف اعتقادی.
۶. اشارات علمی.

فصل هفتم

آفریده یا ناآفریده بودن قرآن

معتزله، اعتقاد بر توحید صرف داشتند و صفات خدا را عین ذات او می‌دانستند. از نظر آنها خداوند هیچ‌گاه نمی‌تواند بدون صفاتش باشد و در عین حال اگر صفات خدا زائد بر ذاتش باشد مسأله تعدد قدما و تکثیر در ذات واجب الوجود پیش می‌آید که خود نوعی شرک است.

اهل حدیث و از جمله اشاعره معتقد بودند خداوند خود را به این صفات (عالم، حی، قادر، ...) خوانده است و این صفات در او وجود دارد و خارج از ذات اوست و مانند ذات خدا این صفات ازلی و ابدی است و چون خود خدا خویشتن را چنین خوانده است نمی‌توان با اعتقاد به آن به شرک افتاد.

دیدگاه‌های مختلف کلام در خصوص کلام خدا:

- اهل سنت و حدیث اعتقاد داشتند، کلام خدا مانند علم و قدرت و اراده و حیات او مخلوق نیست.

- دیدگاه معتزله:

قرآن مخلوق خداوند است چون:

۱. کلام خدا متضمن امر و نهی و خطاب است.
۲. خطاب خداوند به پیامبران گذشته غیر از خطاب او به پیامبر بعدی است.
۳. کلمات اگر خوانده شوند صورت و عرض هستند و اگر نوشته شوند، جسم و جوهرند و اعراض و جواهر هم حادث‌اند.
۴. در قرآن آیاتی وجود دارد که دلالت به مخلوق بودن آن می‌کند.

ابوالحسن علی بن اسمعیل اشعری می‌گوید: مقصود از قدیم بودن کلام خدا الفاظ و حروف خواندنی و نوشتنی نیست زیرا اینها مخلوقند بلکه مقصود کلام نفس خدا است؛ یعنی کلامی که در ذات اوست و کلام حقیقی همان کلام نفس اوست که غیر از عبارت الفاظ است و با تغییر اوضاع تغییر نمی‌کند.

اما بعد سیاسی اعتقاد به مخلوق بودن قرآن؛ مأمون حکمی صادر کرد که قاضیان و محققان را عامل دولتی تحت آزمایش که آن را محنه می‌گفتند در بیاورند و از این جماعت فقط کسانی را که به مخلوق بودن قرآن معتقدند بر سر کار خود باقی گذارند و شهادت ایشان را بپذیرند.

فصل هشتم

علوم قرآنی

- در فهم بیشتر قرآن علوم گوناگونی به وجود آمد از جمله: علم اسباب نزول، علم قرائت، علم ناسخ و منسوخ، علم مجازات قرآن، علم امثال قرآن و

- قدیمی‌ترین علوم قرآنی، علم قرائت قرآن است.

- درباره مجاز قرآن دقیق‌ترین کتاب «مجاز القرآن» ابو عبیده معمر بن مثنی تیمی بصری است. مقصود او از مجاز عبارت است از استعمال لفظ در غیر معنی موضوع له با وجود قرینه‌ای که مانع از اراده کردن معنی اصل باشد.

- آشنایی با اشعار تازی به ویژه اشعار دوره جاهلی برای هر مفسری دارای اهمیت اساسی است. آشنایی با اشعار کسانی چون امرء القیس، لبید، جریر، نابغه، فرزدق، اخطل و ابو فراس برای مفسر ضروری بود.

- تنها علم قرآنی‌ای که معمولاً در تفسیر گنجانیده نمی‌شود «تجوید» است. تجوید در لغت به معنی نیکو کردن و سره کردن و در اصطلاح، تلاوت قرآن است به نحوی که هر حرفی از آن از مخرج خود ادا شود و ویژگی‌های کلام برای هر حرفی به جا آورده شود.

تجوید سه مرتبه دارد: ترتیل، حدر و تدویر

ترتیل: خواندن به آرامی و آهستگی است

حدر: تند خواندن و پیوسته خواندن است

تدویر: روش میانه در قرائت است

مباحث مهم تجوید عبارتند از:

شناخت مخارج و صفات حروف

مسأله وقف و ابتدا

مسأله اظهار و اخفاء